

تغییر در قانون کار: سنگسار اجتماعی زن

لیلا دانش

در متن مجادلات سیاسی شدیدی که چند ساله اخیر در ایران در جریان بوده است، و در کنار مباحثی که تازه لیبرال شده‌های جبهه اصلاحات در باب دمکراسی و مدرنیسم و جامعه مدنی به مطبوعات تزریق می‌کردند، جدالی در جریان بود. جدالی برای تعیین حدود و ثغور قانون کار و تعریف قوانین بازی در شرایط جدید. همه مباحثی که با خروارها کتاب دانشگاهی تزئین شده بود و بخشی از دگراندیشان خام اندیش را با خود برده بود، امروز آن روی سکه خود را نشان می‌دهد.

قانون کار اسلامی که در دوره‌های مختلف موضوع جدال‌های عظیمی میان طبقه کارگر ایران و حکومت اسلامی بوده است، در پرتو نیازهای گلوبالیزاسیون، مدرنیسم، و جامعه «بی خشونت» در شرف تغییراتی است که جوهر آن تثبیت فقر و فلاکت و خشونت بی‌سابقه برای کل طبقه کارگر و خصوصاً زنان کارگر است. یکی از این تغییرات در باره کارگاه‌های کوچک است، اکثریت زنان کارگر در این کارگاه‌ها شاغلند اگر فعلاً به بخش عظیم‌تری که به کارهای خانگی مشغولند کاری نداشته باشیم. خروج کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر از شمول قانون کار (یا بخشی از قانون کار) یعنی محکوم کردن این زنان به شرایطی فاجعه بار. این روند تنها خاص ایران نیست و عموم کشورهای که جهت پیوستن به بازار جهانی و انتگره شدن در آن، برنامه‌های توسعه اقتصادی را در راستای سیاست‌های نئولیبرالی بانک جهانی و دیگر نهادهای بین‌المللی تجربه می‌کنند این فاجعه را می‌شناسند. یک خصیصه بارز برنامه‌های توسعه اقتصادی مستقل از این‌که صحنه اجرایش در آفریقا یا آسیای جنوب شرقی، آمریکای لاتین و حتی به‌درجاتی کشورهای وابسته به بلوک شرق سابق، گسترش بی‌سابقه فقر و افزایش شکاف‌های طبقاتی است. برنامه‌های توسعه اقتصادی الگوهای متفاوتی دارند اما صرف‌نظر از این‌که تمرکزشان بر گسترش صادرات باشد یا خصوصی‌سازی‌های وسیع، ملزوماتی را در تعریف رابطه کار و سرمایه نیاز دارند. از جمله این ملزومات تغییرات در قانون کار جهت انطباق با برنامه‌های توسعه و تسهیل دستیابی به نیروی کار ارزان چه برای شرکت‌های داخلی و چه برای سرمایه‌های چند ملیتی است. تغییر در قانون کار تنها باز تعریف ضبط و ربط و مقررات جهت وارد شدن به دوره‌ای است که چه جبهه اصلاحات و چه بزرگ‌تره‌ایشان در این مکتب، عوارض فلاکت بار اجتماعی آن را می‌شناسند. امروز این یک فاکت است که یکی از عارضه‌های برنامه‌های توسعه اقتصادی حتی در کشورهای آسیای جنوب شرقی که از جمله بالاترین رشدهای اقتصادی را دارند، زنانه شدن فقر است.

به موازات تحولات سیاسی چند ساله اخیر و گسترش جنبش اصلاحات، بحث‌های زیادی در مورد زنان و حقوق اجتماعی آن‌ها شده است. امروز فمینیسم اسلامی و فمینیست‌های نئولیبرالی

که تبعیت از یک روند جهانی دست اندر کار گسترش NGOها هستند. یکی از ارکان ابراز وجود جنبش اصلاحات شده‌اند. حضور این جریان‌های فمینیستی و صاحب‌نظر شدن امثال جلالی‌پور در مسائل زنان، هیچ ربطی به تامین حقوق اجتماعی زن در شرایط فعلی ندارد. جبهه اصلاحات دقیقاً برای پیشبرد برنامه‌های اقتصادی خود که امروز از جمله تبارزش را در تغییرات قانون کار می‌بینیم نیاز داشت که راه را به‌روی فمینیست‌های اسلامی و وابسته به اصلاحات باز کند. قرائت فمینیستی از اسلام حتی اگر واقعا منجر به تغییراتی جزئی شود (که جزئی‌ترین‌هایش هم جای بحث دارد) قرار است در خدمت تسهیل زندگی کدام زنان قرار بگیرد؟ با کدام بحث حقوقی و کدام قانون می‌خواهید از میلیون‌ها زنی که مطابق قوانین ناظر بر توسعه اقتصادی‌اتان قرار است، هر روز در جدال با فقر در مقابل چشمان منتظر عزیزانشان درد سنگسار شدن را بکشند، دفاع کنید؟ از معرکه‌گیران دانشگاهی و غیردانشگاهی جبهه دوم خرداد که هر وقت از خشونت حرف می‌زنند دهانشان را آب می‌کشند باید پرسید آیا خروج اکثریت زنان کارگر از شمول قانون کار و راندن آن‌ها به ستیز با قانون جنگل و بی‌حقوقی مطلق، خشونت نیست؟ از زیر شنل افتخار خانم جمیله کدیور به پاس «تلاش‌هایش» جهت توقف سنگسار زن، آتش خانمان براندازی در حال شعله کشیدن است. زخم‌های این فاجعه را هم قرار است فمینیست‌های نئولیبرال با NGOها مرهم بگذارند.

توقف سنگسار فردی زنان، پیش درآمد یک سنگسار اجتماعی بود که می‌رود تا زندگی میلیون‌ها زن کارگر و زحمتکش را به تباهی بکشد. جنبش زنان، برای در برگرفتن اکثریت زنان محروم چاره ای جز چالش سرمایه ندارد.

۱۷ ژانویه ۲۰۰۳

Dialog

Postamt 1 / Postlagernd

04109 Leipzig / Germany

گفتگوهای زندان ویژه اینترنت

Email: dialogt@web.de

Internet: <http://www.dialogt.net>